

به پیشواز عید ملی ارگنه قون

(بهار بایرامی)

نقش آتش مقدس

بهار عید ملی تورکان و مردمان مشرق زمین، جشن رویش و زایش نوین طبیعت فرا میرسد. تورکان/ تورکمنها معمولاً با افروختن آتشی بزرگ به پیشواز این جشن ملی میروند. عموماً در جامعه باستانی تورکان هر حادثه ای طبیعی یا غیرطبیعی با برافروختن شعله های بزرگ آتش خبر داده میشد.

در آستانه جشن بزرگ ارگنه قون/ عید نوروز نیز تورکان با افروختن شعله های بزرگ، آمدن این جشن را به اولوس خبر میدادند. تورکان آتش را بسیار مقدس دانسته و پریدن از روی آن، ریختن آب و دیگر مواد ناتمیز بر آن را گناهی بزرگ میشمردند. در سنگ مزارهای برجا آمده از دوران ماقبل اسلام در گورستان "خالد نبی" در شمال گنبدقاپوس جایگاه بر افروختن آتش، حتی برای مردگان حکم میشد. تورکان/ تورکمنها معتقد بودند که آتش قوت (روح) مردگان را از گزند رب النوع های زیرزمینی حفظ خواهد کرد.



نمونه ای از سنگ مزارهای خالد نبی با جایگاه بخوردان برای آتش (عکس از آ. گورگنلی)

در دوران رشد باور شاماتیستی در بین تورکان، بویژه در سده های اخیر تورکمنها با برافروختن آتش و حلقه زدن در گرد آن به راز و نیایش پرداخته، از تانگری (خدای آسمان) و فرزندش خورشید و فرزند خورشید یعنی آتش، حراست ایل و رمه و پیروزی بر دشمن را تمنی میکردند.

پريدن از روى آتش بى احترامى بزرگى به رب النوع گرمابخش و حرارت دهنده زندگاني محسوب ميشود. برخى از محققين ايرانى اين سنوال را مطرح ميکنند که اگر در دوره ساسانيان آتش پرستى رواج داشت، پس چرا براى جزاى مجرمان، که به نظر مغان افراد ناپاکی بودند، آنان را در آتش مى انداختند و آنرا آلوده مى ساختند. اين امر نشاندهنده آن بود که آنان به آتش احترام نمى گذاشتند.

در بين تورکمنها اينک مراسم «شامان اوت» برگزار ميشود که با خواندن ابیات زير از رب النوع آتش دفع بيماريها را مى طلبيدند:

شامان اوت، بولوم شات (اى آتش شامان، از تو شادمانم)

گليپ سانگا چوقوندم، (آمدم و بر تو پناه آوردم)

نيت لاپ گونامى دوکدم. (به نيت پاکی و آراستگى از گناهان)

اونگين قيل ايشيمي، (آرزويم را برآورده کن)

اوزين قيل ياشيمي. (عمرم را دراز کن)

قورا ميننگ داشيمي (مرا از شر دشمن حفظ کن)

سيغينديم سانگا پيرلاپ (به تو پناه آوردم)

قويما منى حورلاپ، (مرا نا اميد از نذرت مران)

شامان اوت، بولدوم شات. (اى آتش شامان، از تو شادمانم)

اينک نقش رب النوع آتش را در بين تورکان با رجوع به اثر پر ارزش محقق روس رافائل بزرتينوف مى آوريم. بخشهاى از اين اثر را دوست ارجمند ما جناب آقاى دکتر رحمت الله قاضيانى به فارسى برگردانده و آنرا در سايت "تورکمن دايره المعارفى" قرار داده است.

آقميرات گورگنلى

رافائل بزرتينوف

از کتاب: تانگریانیزم- دین ترکان و مغولها --- نابرنزینیه چلنی، ۲۰۰۰

فصل ۳- صفحه ۷۱-۹۵ مترجم: دکتر رحمت قاضیانی

رب النوع آتش

ترکان باستان اعتقاد داشتند که آتش نوه خدای بزرگ آسمانها ، تانگری و فرزند خورشید است . و تندر برادر اوست. بنابراین، اگرچه، آتش در زمین بدنیا آمده و رشد می کند، پس از مرگ به صورت دود به آسمان می رود تا دوباره به زمین بازگردد. ترکهای باستان در آتش، رب النوعی با قدرت های متنوع می دیدند، چون او بوجود می آید، نفس می کشد، و بطور دائم تغییر شکل می دهد. ترکها آتش را با تولد، رشد، توسعه و زندگی بطور کلی مربوط میدانند. همانطور که "ن. کاتانوف" در یادداشت هایش می نویسد: " به اعتقاد ترکهای تاتار ، روح آتش، رشد می کند و به موجودات گرما می بخشد ، خروج گرما از کالبد موجودات به معنای مرگ است. جسم در گذشتگان به زمین می پیوندد و روح آنها به عالم ارواح – که در بالای زمین قرار دارد- رجعت می کند.

ترکان باستانی در افسانه هایشان رب النوع آتش را بصورت گاو ماده قرمز ، گاو نر قرمز ، و یا خروس جنگی قرمز نشان می داده اند . در تصاویر دیگر ، آتش ، بصورت یک زن ، با نام " اوت-آنا " (مادر- آتش) نشان داده می شد . اعتقاد بر این بود که اوت-آنا ام البشر است . وقتی آتش در آتشدان شروع به شعله ور شدن می کند ، آنها در برابر شعله خم شده و خطاب به او می گویند که تو ، ای آتش ، با ۳۰ دندان ، مادر همه ما هستی ، تو با ۴۰ دندان مادر اندر همه ما هستی .

اهل خانه ، آتش را قسمتی از رب النوع آفتاب (آتش بهشتی) ، می دانستند . اجاق در وسط یورت، معمولاً به شکل دایره (شبییه شکل آفتاب) درست می شد. گرمایی ، که از آتش و آفتاب ، متصاعد می شود ، با روشنائی حاصل از آن ارتباط منطقی بخصوصی دارد . خورشید و آتش ، و ارتباط بین آنها و قدرت زندگی بخش آنها ، بویژه به زنها بعنوان اجداد و محافظین نسلها منتقل می شود .

اجاق آتش همیشه می بایستی تمیز و محفوظ نگه داشته شود ، و بی توجه ای در این مورد می تواند آتش را خشمگین نموده و باعث ترک یورت شود . عقیده بر این بوده است که آتش یک رب النوع خاندانی و یا قبیله ای است ، ولی هر خانواده برای خود یک آتش فامیلی داشته است ، البته ، مخلوط کردن آتش خانواده با آتش خانواده دیگر و یا قرض کردن آتش از دیگری گناه بوده است ، و حتی پخت و پز در دیگی که قبلاً روی آتش خانواده دیگری بوده غیر ممکن بوده است .

بی احترامی به آتش غیرقابل قبول بود . مثلاً انداختن آشغال ، پسمانده های غذایی ، و مواد بدبو بداخل آتش ، و بهم زدن آتش با وسایل تیز ، چرخیدن بدور آتش ، و یا پریدن از روی آن ، یا هل دادن سوخت با پا ، و لگد کردن خاکستر ، و تف کردن به روی آتش بی حرمتی به آتش محسوب می شد . ریختن تکه های غذایی بداخل

آتش که اهل یورت خورده بودند ، ممنوع بوده است . برای دادن هدیه و صدقه به آتش بیشتر از چربی استفاده می شد . حتی خاکستر آتش یورت در جایی ریخته می شد که انسان و حتی حیوانات هم به آن دسترسی نداشته باشند . تخلف از این قوانین ، باعث خشم رب النوع آتش می شده و او بصورت های مختلف ، مثل ، ایجاد بیماری های گوناگون ، عدم مراقبت از ارواح شرور ، و حتی با ایجاد سوختگی های شدید در بعضی انسان ها ، خشم خود را نشان می داده است . در چنین مواردی دعا کننده ای مخصوص و هدایای ویژه برای آتش تدارک داده می شد . اگر تخلف از قوانین در زمان شکار اتفاق می افتاد ، شکارچی می بایست شکار را ترک کند ، اگر آتش در اجاق با جرقه و صدای سوت می سوخت نشاتگر آن بود که اوت-آنا در حالت خوب و خوشی است ، و صاحب خانه باید منتظر اخبار خوب و یا منتظر مهمان باشد .

افراد خانواده هر سال یک بار در یورت برای اوت-آنا مراسم پرستش و دادن صدقات برگزار می کرده اند . هدف از این مراسم استدعای سلامتی برای افراد خانواده ، رفع بیماری ، عدم تلفات دام ها ، و سعادت برای خانواده بوده است . برای صدقه دادن قوچی سفید با سر سیاه در نظر گرفته می شد . قبل از قربانی کردن ، شیری که مدتی به آرامی جوشیده بود ، را روی قوچ می ریختند ، و با نوارهای رنگارنگ آرایشش می کردند و بداخل گله می فرستادند و به این ترتیب به اوت-آنا هدیه میکردند . بعد از کشتن قوچ ، طرف راست و جلوی لاشه و قلب آن را می سوزاندند ، و بقیه لاشه و پوست آنرا به " قام " (شامان) می دادند .

لازمه انجام مراسم عبادت توسط شمن ها ، وجود یک درخت غان بوده است ، که سمبل ارتباط دنیای بالا و پائین بوده است . در یورت از شاخه های درخت فوق برای انجام مراسم استفاده می کردند . آنها درخت را با روپان های ، آبی ، قرمز ، و سفید ، به نام " چالاما " تزئین می کردند ، باین صورت که ، آن روپان ها را در اطراف اجاق روی زمین بصورت تزئینی قرار می دادند . بعد از قربانی برای آتش ، " قام " (شامان) مقداری گوشت و چربی آن را در آتش اجاق می انداخت ، و آن مواد با شعله های درخشان می سوخت . در صدقه برای " اوت-آنا " ، " قام " ، خطاب به آتش می گوید ، " شما ، آتش ، مادر ما . شما ، چهل دندان دارید ، شما با ابریشم قرمز پوشیده شده اید ، و شما بستری از ابریشم سفید دارید . من بر روی خاکستر سفید قدم نخواهم گذاشت . بچه های کوچک ، و سگها به تو دست نخوانند زد . من یک قوچ قربانی کرده ام ، من گوشت بره در راه تو صدقه داده ام ، من در مقابل تو تعظیم می کنم ، به ما یک زندگی راحت اعطا کن " .

غذای قربانی برای ارواح و ارباب انواع ، در روی شعله های آتش پخته می شود . انسان ها گوشت را می خوردند و ارواح و فرشتگان به وسیله بوی گوشت کباب شده تغذیه می شدند .

آتش خاصیت تمیز کنندگی دارد . جسم آلوده را برای تطهیر روی آتش نگاه میدارند . سفرانی را که به حضور خان شرفیاب میشدند ، از بین دو آتش عبور می دادند ، تا بوسیله آتش تطهیر شوند . در زمان ترک اقامتگاه زمستانی ، اردو را از میان دو آتش عبور می دادند . اگر شخصیت برجسته ای بخواهد وعده هائی به ملت بدهد

باید توسط آتش تطهیر شود. برای این کار در دو محل آتش قرار می‌دادند، شخص مورد نظر بین آتش‌ها قرار می‌گرفت و به شمشیر بوسه می‌زد. در قرون وسطی دهانه لوله تفنگی را که با آن انسانی کشته شده باشد را می‌بوسید. فقط بعد از اجرای این مراسم بود که شخص می‌توانست به مردم وعده بدهد. آتش، حامی خانه و محل زندگی محسوب می‌شد. اگر عروس جدیدی به خانواده شوهر اضافه می‌شد و به خانه شوهر وارد می‌گردید، ابتدا به آتش آن خانه تعظیم می‌کرد. عروس وقتی وارد خانه پدر شوهر می‌شد، زانو می‌زد. حتی اگر وارد خانه اقوام داماد که بزرگتر از او باشند، می‌شد و بطور ناگهانی با فامیل بزرگتر از شوهرش برخورد می‌کرد در مقابل او هم زانو می‌زد. بعد از آن عروس را روی یک پوست دباغی شده می‌نشاندند با این ایده که عروس آنها مثل پوست نرم است، سپس چربی در آتش می‌انداختند، عروس چندین بار در مقابل آتش تعظیم می‌کرد. با پرسش آتش از آن تقاضا می‌کرد " اوت- انه، یاغ- انه، مرا مورد لطف خود قرار بده." در این زمان زنهای دیگر با گرم کردن دستهایشان بر آتش، و نوازش کردن صورت عروس، او را مورد لطف قرار می‌دادند. شامان در حالی که دستهایش را بالا و بطرف آتش گرفته است خطاب به خانم و سرور اجاق مقدس " اوت- آنا " می‌گفت، با دستور تو است که این شعله بوجود آمده است، اجازه بده تا این شعله‌ها محافظ خانواده در مقابل ارواح شیطانی باشد، سدی باشد در مقابل خیانت‌های انسانی، بگذار نیکی‌ها بدون سوزاندن باعث گرما بشوند، زشتیها و شرارت بدون پسماندی از بین بروند، بگذار آتش تا هزاران سال روشن بماند، و ای اوت- آنا اجاق ما را برکت بده. پس از آن قام (شامان)، عروس را بعنوان عروس خانه و کدبانوی یورت، و داماد را بعنوان شوهر و رئیس یورت معرفی می‌کرد.

از آتش برای معالجه بعضی بیماریها نیز استفاده می‌شده است. اگر در صورت بچه یا شخصی پوسته‌هایی وجود داشت، در روی زخم بیمار با سنگ آتش زنه جرقه‌هایی تولید می‌کردند. شامان خطاب به پوسته می‌گفت: " در حالی که تنه اصلی درخت همیشه در جای خود نشسته است و بجائی نمی‌رود تو، پوسته، چرا در اینجا و آنجا، سرگردان هستی؟ بگذار تمام پوسته‌ها بهمراه جرقه‌های آتش از روی صورت ریخته شود. درست مثل یک تپه که از جایش حرکت نمی‌کند، تو هم از جای تکان نخور. یورت خود را در این مکان بر پا نکن. تفو، تفو بر تو، دیگر به اینجا برنگرد."

" اوت شامان " بیماری شیری دهان کودکان (برفک دهان) را نیز مداوا می‌کرد. طریقه درمان به این صورت بود که " قام " بچه را به پشت می‌خواباند و در روی سینه او قطعه کوچکی از پوسته درخت غان را آتش میزد در محل سوختن تغییر رنگی باقی می‌ماند. معالجه آب ریزش از دهان بچه نیز به همین طریق بود.

اعتقاد بر این بود که خاکستر هم قدرت درمانی دارد. بنابراین، به روی یک زخم خونریزی دهنده مقداری خاکستر داغ می‌ریختند، و آن کار باعث سرعت گرفتن ترمیم زخم می‌شد. اگر درد ناگهانی شکم عارض می‌شد بیمار با دست راست خاکستر داغی را به دست می‌گرفت و چندین بار آنرا روی شکم لخت می‌مالید.
